

کار کردن آسان است!

سلام به همه شما دوستداران شاغل. روز جهانی سرگرمی در محیط کار رو خدمتون تبریک عرض می‌کنم. منم اولش شوکه شدم که این دیگه چه روزیه و اصلاً چطور میشه همچین روز جهانی‌ای داشت، تا اینکه متوجه شدم روز جهانی رقصیدن مثل یک خروس، روز جهانی رژ لب و روز جهانی هرچه دوست داری بخور هم داریم. در نگاه اول «هرچه دوست داری بخور» بیشتر شبیه یک نوع توهین در لفافه است اما خوب به عهده آدم بیکار واقعاً چنین روزهایی روبه ثبت رسوندن و یه عده آدم بیکارتر همین روزها رو توی فضای مجازی به همدیگه تبریک می‌کنن تا من بیکارترین مجبور بشم با هدف نقد سازنده دست به کیبورد بزنم. به همین مناسبت جا داره به چند مورد از این سرگرمی‌ها در محیط کار اشاره کنم.



محمد مهدی رضایی

منشی دکتر: بهترین سرگرمی برای منشی‌های دکتر آگاهانه خانم باشن اینه که همزمان با سوهان کشیدن ناخن، با خواهر محترم راجع به اینکه چه لباسی برای جشن تولد امشب بپوشید، تلفنی صحبت کنید.

اگه شما منشی آقا هستین کافیه تلویزیون رو روی شبکه سه قرار داده و از دیدن فوتبال لذت ببرید.

راننده اتوبوس درون شهری: در وهله اول یک عدد فلاسک کنار دستتون داشته باشید برای روز میاد و همچنین علاوه بر اینکه رادیو گوش می‌دید، به روزنامه هم دم دستتون بذارید و پشت چراغ قرمز، درخت انگور دوحرفی افقی رو بنویسید: **مو!**

راننده اتوبوس بین شهری: در عهده فلاسک جای دم دستتون بذارید و هر از گاهی به بهانه سرویس بهداشتی بین راهی که هیچوقت هم بهداشتی نیست، کنار بزنید و با بقیه راننده‌ها چاق سلامتی بکنید و دمی به دود بیالایید!

راننده تاکسی: لازمه سرگرمی در محل کار اینه که اخبار دیشب روبا دقت گوش داده باشید!

آتش نشان: بعد از شنیدن خبر آتش سوزی به جای استفاده از یله از میله سر بخورید تا هم سریع‌تر به محل مورد نظر برسید هم هیجان رو تجربه کنید. در محل آتش سوزی هم علاوه بر اینکه گرمای زندگی رو حس می‌کنید، می‌تونید سر شوخی روبا همکارا باز کرده و آب بازی کنید.

پرستار: برای حفظ روحیه خودتون و بیمارارن کرونایی می‌تونید برقصید... نه یعنی حرکات کششی موزون همراه با موسیقی ۶ و ۸، انجام بدید و در مواقع لزوم همکاراتون رو پیچ کنید و سر کارشون بذارید.

کارمند بانک: به طور میانگین در هفت ساعت کاری هشت باز سیستم‌ها قطع می‌شه و شما نمی‌تونید جواب مشتری رو بدید! پس جواشون کنید و بلافاصله صندلی چرخدار رو عقب داده و برای آقای حیدری و خانم اکرمی خاطره تعریف کنید.

دزد: کار این عزیزان سرشار از هیجان و نیازی به سرگرمی نداره. **بقال:** تلویزیون رو روی آی فیلم و نسیم قرار داده و با توکل به خدای متعال هرچی پخش کرد ببینید. در ضمن برای بیشتر لذت بردن، از تخمه‌ها تون هم استفاده کنید.

فوتبالبست: ما منتظریم آخر هفته بشه بریم سالن ارزون پیدا کنیم بعد شما صبح تا شب در حال بازی هستین! **خجالت بکشین** دیگه سرگرمی هم می‌خواهین؟



اینجا سیاره مشتری است...

امروز به مناسبت روز جهانی سرگرمی در محیط کار، چند سرگرمی برای تفریح و لذت بردن بیشتر از محیط کار معرفی می‌کنیم.



محمد رضا رضایی

سرگرمی محیط اداره: استثنائاً لازم نیست کار ارباب‌رجوع در کسری از ثانیه انجام شود. ارباب‌رجوع یک امروز را که معطل شود به جایی بر نمی‌خورد، خیلی سخت نگیرید. می‌تونید از همین قضیه یک مسابقه سرگرم‌کننده و شاد ترتیب دهید. مثلاً ببینید کدام همکار بیشتر می‌تواند یک مُراجِع را دست‌به‌سر کند و بین طبقات و اتاق‌های مختلف اداره پاس بدهد، بعد در پایان روز وقتی که مُراجِع از شدت خستگی روی زمین سرد می‌خزد، به وی بگویید که تمام این رفتارها یک بازی بوده و او هم سوزه این سرگرمی بوده است. قطعاً آن ارباب‌رجوع از این که چنین جو شادی در محیط کار شما وجود دارد، ذوق می‌کند و آشک شوق می‌ریزد.

سرگرمی مطب پزشکی: قطعاً پزشکان عزیز بیش از سایر مشاغل نیاز به سرگرمی در محیط کار دارند. استثنائاً امروز می‌تونید دستگاه کارتخوان مطب خود را بردارید و آسانسور مطب را نیز قطع نمایید. بعد بیماران را در این بازی شریک کنید و بگویید که چهل طبقه پله را پایین بروند و از عابر بانک پول ویزیت را بگیرند و دوباره چهل طبقه را بالا بیایند. برای هیجان بیشتر می‌تونید بگویید مطبانتا تا ۵ دقیقه دیگر تعطیل می‌شود و اگر بیمار به‌موقع نرسد باید تا یک ماه دیگر صبر کنید. یادتان نرود بعد از ویزیت این بیمار حتماً به او بگویید که سوزه بوده است تا او هم در شادی این بازی شریک شود.

سرگرمی صنعت خودروسازی: قطعاً در مشاغل این حوزه هم محور شادی، مشتری است. البته خودتان در این زمینه صاحب‌سبک هستید و خیلی خوب می‌دانید با خریداران خودروهاتان چه شوخی‌های جذابی انجام دهید که تا عمر دارند به یاد آن شوخی بیفتند و هیجان زده شوند. پیشنهاد ما این است که در خودروهاتان یک دوربین مخفی تعبیه کنید تا در آن لحظاتی که وسط جاده شوخی‌هایتان به بار می‌شیند و خودرو با نفس فنی مواجه می‌شود، قیافه مشتری‌هایتان را ببینید و از دیدن هیجانشان محروم نشوید. بعداً می‌تونید این تصاویر را کنار هم بگذارید و یک فیلم سراسر هیجان درست کنید و در روز سرگرمی در محیط کار سال آینده، این فیلم را برای همکاراتان اکران نمایید تا همه محیطی شاد را تجربه نمایند.

دیوانه حافظ
افشار جابری و حافظ شیرازی

«من همان ساعت که از می خواستم شد تو بکار»
شد به چشم مرکز آمار ایران تو به کار

شوخی با تیتز روزنامه‌ها

توید از تیتز

آقایان! این چه کاری است؟
واقعاً که، دیگه شورشو در آورددین، اون موز رو هم بذارین سر جاش.

طلاق توافقی باید اصلاح شود به سهولت انجام نشود
از فردا یک عده تبلیغ می‌کنن طلاق توافقی خود را به ما بپسارید.

نان از ما، آب از شما
پول برق و گاز هم نصف نصف.

اتصال دستگاه‌های خودروید از به سامانه صیاد
فکر کن یک شکارچی اون طرف نشسته تا پول گرفت با تیر کمون تورو هدف قرار میده

هیچ مدرسه‌ای نمی‌تواند دریافت کمک‌های مردمی را اجباری کند
بجز مدارس دولتی، غیرانتفاعی، تیزهوشان، نمونه دولتی و...

مصایب عابر پیاده

لاید شما هم شنیدین که بعضی پیرمردهای توی پارک یا پیرزن‌های توی صف نون بربری می‌کنن: «اون موقع» با همون حقوق دوزار و ده‌شی، هم زن می‌گرفتم، هم ماشین ظرفشویی ساپد می‌خریدیم، هم سینمای چهارنعدی می‌رفتیم و هم آخر ماه، کلی پس‌انداز می‌کردیم. خوب! باید بهتون بگیم که فرد مُسن مورد نظر که احترامش واجب است، یا ایستگاه‌تون رو گرفته یا... همون ایستگاه‌تون رو گرفته. اینو ما نمی‌گیم، «توفیق» از سال ۱۳۰۵ می‌گه:



یک روز با تلویزیون

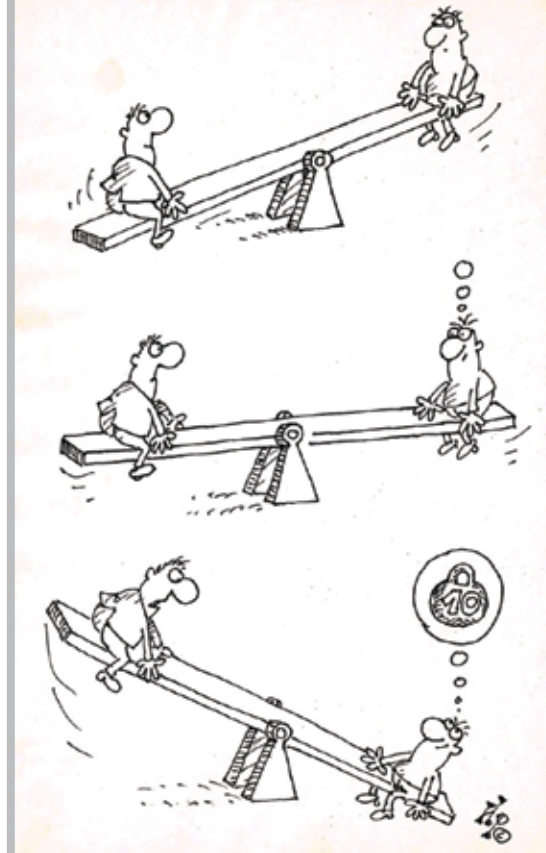
برای حمایت مالی از تیم چلسی و یا منجستریونایتد هم برای شما لینکی ارسال می‌شه که به جان مادرم کمک‌های شما مستقیماً به این دو باشگاه تقدیم می‌شه. حالا رونالدو پا به توپ، روی پیرهنش استار سون هشنگ نقش بسته...
شبکه پنج. سرای ایرانی: پانچت ۷۸۹
(روح بابانچجلی که برای بار ۷۸۰م زنده شده است، در حال احتضار است)
بابانچجلی: نقییبی برید همگی یه چندتا جوب بیارید می‌خوام نصیحت‌تون کنم.
نقی: برید دیگه. هد فامیل داره اینو می‌گه.
(در سکانس بعد، همه اعضای خانواده با جوب ایستاده‌اند)
بابانچجلی: حالا که چوبا رو آوردید، با شمارگی ری ستاره ۷۸۹ مربع می‌تونید به یک نصیحت خوب گوش کنید، قبضاتونم باهاش پرداخت کنید و شارژ بخرید.
(بابانچجلی دوباره جان به جان آفرین تسلیم می‌کند)

پدر: اون چیه پسرم؟
پسر: اگه می‌خواید بگم اون چیه، همین الان گوشی تون رو بردارید و ستاره موسیقی کوفتی مربع رو شماره‌گیری کنید...
شبکه سه. فوتبال خیلی برتر: منجستر یونایتد و چلسی
(مجری حرف‌هایش را جمع‌بندی می‌کند تا نیمه دوم آغاز شود)
مجری: خوب دیگه سه دقیقه هم از نیمه دوم گذشته، فقط اینم بگم برای حدس نتیجه بازی ستاره بوق بوق مربع رو بگیرید. بوق اول تعداد گل‌های چلسی، بوق دوم تعداد گل‌های منجستر یونایتد. بعد از بازی که نتیجه معلوم شد، تعداد بوق‌ها تون اگه درست بود، ستاره دوغ‌دوغ مربع لینک شرکت در قرعه‌کشی یک سال دوغ رایگان رو براتون ارسال می‌کنه. تا بازی تموم نشده، بنده و همکارانم و ستاره بوق بوق مربع، شما رو به ادامه این بازی دعوت می‌کنیم...
گزارشگر (روی بازی فوتبال): خوب در پنج‌مین دقیقه نیمه دوم هستیم، با تشکر از دوست خویم مجری برنامه و ستاره بوق بوق مربع.

شبکه یک. فیلم هالیوودی: رستگاری در ستاره شاونک مربع
(سرجوخه هنریک در سلول اندرو دوفرین، پوستر روی دیوار را کنار می‌زند و سوراخ فرار اندرو را روی دیوار می‌بیند)
سرجوخه هنریک: اندرو کجاست؟
رد: اندرو برای حمایت از تیم ملی والیبال فرار کرده.
سرجوخه هنریک: خوب می‌تونست با ستاره ۹۶۶۷۴۳۲ مربع، از تیم ملی والیبال حمایت کنه. بگیریدددددش...
شبکه دو. کلیپ اخلاقی پدر و پسر: اون چه ستاره مربعیه؟!
(پدری مسن و پسرری جوان روی یک نیمکت پارک نشسته‌اند)
پدر: پسرم اون چیه؟
پسر: کنجشکته.
پدر: پسرم اون چیه؟
پسر: کنجشکته دیگه.

سایه رفیق اسلام‌هراسی نصرت هم شد اسم؟

بوریس جانسون، نخست‌وزیر انگلیس، خودش این روزها به‌علت نقض پروتکل‌های بهداشتی مشغول دادگاه و افکار عمومی است. (حالا انگار مثلاً قبیل از کرونا خیلی تمیز و پروتکلی و غیره‌تبل بود) به همین دلیل سخنگوییش را انداخته جلوتو تا در مورد علت حذف «نصرت غنی» کشمیری، عضو سابق کابینه محافظه‌کارها از مقام وزارت، ماله‌کشد... دستور پیگیری دهد و مثلاً که ابعاد اسلام‌هراسی مقامات انگلیس بررسی شود و ما خیلی به مهاجران می‌رسیم و این‌ها. نصرت غنی این هفته اعلام کرده بود یکی از هم‌حزبی‌ها از دهنش در رفتن و اعتراف کرده است که دلیل برکناری وی از وزارت، ناراحتی بقیه به‌علت مسلمان بودنش (ترجمه: حال نکردن در مجموع) بوده است. انصافاً هم «نصرت» بودن اسم یک وزیر زن، ترس دارد. هرچقدر هم بگویید طرف حجابش غیراسلامی است، دلیل نمی‌شود آدم یک‌جوری نشود. بالاخره ترکیب زن مسلمان نصرت‌نام، وحشتناک است و این ارتباطی به موضوع اقلیت و نژادپرستی و اینها ندارد. وگرنه شما مورد «صادق خان» را ببینید. هم مسلمان است. هم چندسال است شهردار لندن شده و کسی آخ نگفته. هم اسمش شیک و شایسته مجلسی آدم است. هیچ‌کس هم اسلام‌هراسی نگرفته است. حالا اینکه خان به رژیم جعلی می‌گوید کشور اسرائیل و به ازدواج هم جنس‌بازان رای می‌دهد هم بی‌تأثیر نبوده که ما کاری به این‌هاش نداریم. اینجا هم طرف را به‌علت فعالیت هرمی برده‌اند دادسرای جرایم اقتصادی، تلویزیون‌های لندن می‌گویند دیدید ایران دارد بهایی‌ها را می‌گیرد. التماس شفا.



از کی؟!

۸ سال گذشته به لطف دولتی که زبان دنیا را بلد بود و البته ارز چهارهزار و دوویست تومانی، آنقدر واردات عجیب و غریب مثل آب پنیر، سیفون توالیت، خاک گریه، دسته کلنگ و... را از اقصی نقاط جهان شاهد بودیم که اگر بشنویم یکی از بیباان‌های شیلی یا مامر شن و خاک وارد کرده تا کل دشت لوت را با خاک خارجی بپوشاند هم تعجب نمی‌کنیم! اما این‌بار در آمار مربوط به واردات ۹ ماه نخست سال ۱۴۰۰ به جای تعجب از کالای وارد شده، مبدا کالا عامل خزان بود. در اسناد منتشر شده، شاهد واردات اسید سیتریک به ارزش ۱۶۲ هزار دلار از قطب جنوب بودیم! با اینکه این اسید سیتریک را می‌خواستند چکار، کاری نداریم! با اینکه با وجود این همه پرتقال و لیموترش در کشور که کمی فشارشان بدهی اسیدسیتریک می‌باشد به در و دیوار، چرا رفته‌اند سراغ واردات هم کار نداریم! با اینکه بین این همه کشور چرا قطب جنوب هم کار نداریم. فقط یکی به ما بگوید در قطب جنوب که با ذره‌بین هم بگردی جز پنگوئن و چهار تا اسکیمو کسی نیست، اسید سیتریک‌ها را از کی خریدند!؟